

تبریز

شهری ایرانی در گذار

www.ketab.ir



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه : ورنر، کریستف، ۹۶ - ۵
- عنوان و نام پدیدآور : Ven., Christoph
تبریز شهری ایرانی در گذر تاریخ اجتماعی و اقتصادی نخیکان تبریز در سال‌های ۱۱۶۰-۱۲۶۴ق/۱۷۲۷-۱۸۴۸ م/ کریستف ورنر ترجمه جمال، پیره‌مرد شتریان؛ زیر نظر و به ویراستاری دکتر جواد مرشدلو.
- مشخصات نشر : تبریز: ستوده، ۱۴۰۲.
- مشخصات ظاهری : ۵۴۹ ص: نقشه.
- شابک : 978-600-325-201-1
- وضعیت فهرست نویسی : فیبا
- یادداشت : عنوان اصلی: An Iranian town in transition : a social and economic history of the elites of Tabriz, 1747-1848, 2000
- یادداشت : کتابنامه: ص. [۴۹۵] - ۵۱۸؛ همچنین به صورت زیر نویس.
- یادداشت : نمایه.
- عنوان دیگر : تاریخ اجتماعی و اقتصادی نخیکان تبریز در سال‌های ۱۱۶۰-۱۲۶۴ق؛ ۱۸۴۸ - ۱۸۴۸ م
- موضوع : تبریز -- تاریخ -- قرن ۱۲ - ۱۳ق.
- موضوع : Tabriz (Iran) -- History -- 18 - 19th century
- موضوع : نخیکان -- ایران -- تبریز
- موضوع : Elite (Social sciences) -- Iran -- Tabriz
- موضوع : تبریز -- زندگی فرهنگی -- قرن ۱۲-۱۳ق.
- موضوع : Tabriz (Iran) -- Intellectual life -- 18th-19th centuries
- موضوع : تبریز -- اوضاع اجتماعی -- قرن ۱۲-۱۳ق.
- موضوع : Tabriz (Iran) -- Social conditions -- 18th-19th centuries
- شناسه افزوده : پیره‌مرد شتریان، جمال، ۱۳۷۶ - مترجم
- شناسه افزوده : مرشدلو، جواد، ۱۳۵۷ - ویراستار
- رده بندی کنگره : DSR2۰۷۹
- رده بندی دیویی : ۹۵۵/۳۲۲
- شماره کتابشناسی ملی : ۹۴۱۰۶۲۶

شصت و سومین اثر از سلسله انتشارات
منابع آذربایجان شناسی و تبریز پژوهشی
در کارنامه انتشارات ستوده تبریز

تبریز شهری، ایرانی در گذار

تألیف: ک. س. فرزند

مترجم: جمال پیرمرد شتربان

زیر نظر و به ویراستاری: دکتر حمزه مرشدلو

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

چاپ اول ۱۴۰۳

تیراژ: ۳۰۰ جلد

قیمت: ۷۰۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۲۵-۲۰۱-۱

انتشارات ستوده، شماره ۲۵ خیابان ارک جدید، خیابان طالقانی، تبریز

کدپستی، ۵۱۳۷۷۷۸۷۷۱ تلفن ۳۵۵۶۷۸۱۸، فاکس ۳۵۵۵۲۴۵۸

E-mail-sotodeh.pub@gmail.com

همه حقوق این اثر محفوظ و مخصوص برای انتشارات ستوده تبریز می باشد.
استفاده از مطالب این اثر با ذکر منبع و نام حقوقی آن آزاد می باشد.

فهرست مطالب

۱	یادداشت مترجم
۴	یادداشت ویراستار
۷	مقدمه نویسنده بر چاپ فارسی
۱۱	سیاسگزاری
۱۳	سال‌شمار رویدادها
۱۵	نظام پولی، مقیاس‌ها و دیگر نکات فنی
۱۷	مقدمه
۲۱	دوره‌بندی تاریخی
۲۴	نوسازی، غرب‌گرایی و مفارم تغییر اجتماعی
۲۶	نخبگان، اعیان یا اشراف
۳۱	مطالعات شهری ایران و تبریز در دوره صدر قاجار
۴۱	منابع

فصل اول. چشم‌انداز تاریخی:

۵۳	آذربایجان و تبریز در سال‌های ۱۱۶۰-۱۲۶۴ هجری / ۱۷۴۱-۱۸۴۸ م.
۵۵	چشم‌انداز تاریخی: آذربایجان و تبریز در سال‌های ۱۱۶۰ / ۱۷۴۱ تا ۱۲۶۴ / ۱۸۴۸
۵۷	کشاکش در شمال غرب ایران و حکومت آزادخان افغان بر آذربایجان
۶۶	صلح و آرامش زودگذر: تبریز و آذربایجان در دوره کریم‌خان زند
۷۵	آذربایجان در دوره ملوک‌الطوایف
۸۹	افسانه عباس‌میرزا و جنگ‌های ایران و روس
۹۸	تبریز شاهزاده‌نشین قاجاری یا دوره حکومت امیرنظام

فصل دوم. شهر و پیرامون آن

۱۰۳	شهر و پیرامون آن
۱۰۵	شهر و پیرامون آن
۱۰۶	تبریز بزرگ: نواحی پیرامون شهر و جایگاه آن در ایالت آذربایجان
۱۱۳	نخستین برداشتها از شهر تبریز
۱۱۶	دیوارها، محلات و منبع آب شهر تبریز
۱۲۵	ساخت‌وساز در شهر جدید قاجاری: کاخ‌ها، مساجد و بازار

۱۲۷ کاخ‌ها
۱۲۹ سازه‌های دینی
۱۳۲ بازار
۱۳۴ تأثیر عباس میرزا بر شهر: خرید املاک و مستغلات
۱۳۹ جمعیت: شمار ساکنان و ترکیب آن‌ها
۱۴۶ تجارت و سوداگری در تبریز
۱۵۳ فصل سوم. وقف به منزله آئینه تغییر اجتماعی
۱۵۵ وقف به منزله آئینه تغییر اجتماعی
۱۵۷ ظهیریه: موقوفه‌ای مخفی در روزگار قاجار
۱۵۹ سند اصل وقف: فواید آن
۱۶۲ اداره وقف
۱۷۱ توزیع درآمد موقوفات
۱۷۴ حفاظت و نگهداری از املاک و مسجلات وقفی
۱۷۹ یک نمونه ویژه؟
۱۸۷ تاج‌ماه‌بیگم و موقوفات قائم‌مقامی
۱۸۸ موقوفات حاجی میرزا موسی‌خان
۱۹۱ موقوفات حاجیه تاج‌ماه‌بیگم
۱۹۵ چگونه می‌توان موقوفه‌ای را به سود خود واگذار کرد؟
۲۰۴ نمونه‌های خرد و وقف کاریز
۲۰۸ وقف شاهزاده [مهدیقلی میرزا] در مسجد ولیعهد
۲۱۱ ارث، وصیت و موقوفه: گونه تازه‌ای از وقف
۲۱۴ نتیجه
۲۱۹ فصل چهارم. مدیریت: از خودگردانی شهری تا دربار ایالتی
۲۲۱ مدیریت: از خودگردانی شهری تا دربار ایالتی
۲۲۵ بیگلربیگی: حکمران مستقل، شهردار یا منصب درباری؟
۲۲۷ «بیگلربیگی» سده دوازدهم/هجدهم: نجفقلی‌خان دنبلی
۲۳۳ «بیگلربیگی» در حال گذار: احمدخان مُقَدَّم
۲۴۰ بیگلربیگی چونان منصبی میانجی: فتحعلی‌خان رشتی و محمدخان
۲۴۷ سنت اداره محلی شهر: خاندان‌ها و مقامات
۲۴۸ کلانتر

۲۵۷	کدخدایان تبریز
۲۵۹	گونه‌های مختلف وکیل شهری و وکیل ایالتی
۲۶۶	سایر مناصب و مقامات موجود در شهر
۲۶۸	جذب نخبگان محلی: مستوفیان تبریز
۲۷۰	از مستوفی تبریز تا مستوفی دیوان همایون
۲۷۸	سهم املاک و تیول در تداوم پیوندهای محلی
۲۸۲	بازیگران جدید دربار ایالتی
۲۸۳	وزیر
۲۸۷	امیر نظام
۲۹۳	تعامل میان نه‌طووح ایالتی و شهری دستگاه اداری
۲۹۶	نتیجه
۲۹۹	فصل پنجم. ظهور رهبران محلی جدید: علما
۳۰۱	ظهور رهبران محلی جدید: علما
۳۰۴	خاندان‌های عالم و روحانیان سرشناس تبریز
۳۰۶	واپسین دهه‌های سده دوازدهم/ سیزدهم
۳۱۱	اوایل سده سیزدهم/نوزدهم
۳۲۰	علمای تبریز تا روزگار ناصرالدین‌شاه
۳۳۱	سه‌گانه امام جمعه، شیخ‌الاسلام و قاضی
۳۳۴	وظایف و کارکردهای علما در محیط شهری
۳۳۸	اجرای قانون یا شکل‌گیری محاکم شریعه
۳۴۳	مجتهدان تبریز؟ یک نتیجه‌گیری
۳۴۷	مواجب، اعانات یا رشوه؟ مداخل دولتی علما
۳۶۵	«علمای پُر نخوت»: بالاگرفتن تنش با حکومت
۳۶۶	آقا میرفتاح و ماجرای تسلیم تبریز
۳۷۵	واقعه «معجزه گاو» در مسجد صاحب‌الامر
۳۸۰	نتیجه
۳۸۳	فصل ششم. نتایج: نخبگان شهری و مالکیت ارضی
۳۸۵	نتایج: نخبگان شهری و مالکیت ارضی
۳۸۶	روستای آق‌کُهل
۳۸۹	مشهدی علی‌بابا آق‌کُهل

۳۹۰ مالکان محلی و «خاندان کلانتر»
۳۹۲ روستای آق‌کهل در مالکیت میرزا احمد مجتهد
۳۹۴ خرید سهام دیگر توسط میرزا لطفعلی امام جمعه
۳۹۷ آبادی خواجه خوشنام
۳۹۸ معامله حاجی آقا باغمیشه‌ای و خدادادخان دنبلی
۴۰۰ میرزا محمدزمان کلانتر و وراث او
۴۰۱ مصالحه میرزا علی، میرزا رضا و حاجی فتحعلی
۴۰۴ شورش رعایا
۴۰۶ مالک جدید: نصرالله‌خان قاجار
۴۰۸ ملاحظات پایانی
۴۱۳ پیوست. استنساخ و پیرایش انتقادی شماری از اسناد برگزیده
۴۷۴ فهرست اسناد نقل‌شده در نوشتار پژوهش
۴۹۵ کتاب‌شناسی
۵۱۹ نمایه

یادداشت مترجم

متنی که پیش‌روی خوانندگان گرامی قرار دارد، ترجمه فارسی کتاب «شهری ایرانی در گذار» با عنوان فرعی «تاریخ اجتماعی و اقتصادی نخبگان تبریز در سال‌های ۱۷۴۷-۱۸۴۸ م.» است. بیش از دو دهه پیش، به‌خامه دکتر کریستف ورنر،^۱ ایران‌شناس برجسته آلمانی و استاد دانشگاه بامبرگ، به زبان انگلیسی منتشر شد. دغدغه محوری نویسنده در این پژوهش، بررسی جایگاه، نقش و کارکردهای گروه‌های نخبه شهر تبریز در بازه زمانی میان مرگ نادرشاه افشار و عباس ناصرالدین‌شاه قاجار بر تخت سلطنت (۱۱۶۰-۱۲۶۴ ه.ق.) است، لذا، آن را می‌توان به‌عنوان پژوهشی بدیع و نوآورانه در حوزه تاریخ اجتماعی و اقتصادی قلمداد کرد. موضوعاً، چون نهاد وقف و سرنوشت مهم‌ترین موقوفات تبریز در بازه زمانی یادشده، وضعیت و سرگذشت خاندان‌های نخبه شهری، تبدیل ساختار اداری و اجرایی تبریز از سطح خودگردانی محلی دربار ایالتی و نقش علما در حیات اجتماعی و فرهنگی شهر، از مهم‌ترین مسائل مدنظر کنونی و نیز در این نوشتار است.

در ترجمه اثر حاضر، مترجم کوشیده است تا سرحد امکان، اصل نوشتار پایبند بماند و از افزودن حواشی و اضافات زائد پرهیز کند. در بخش‌هایی که نویسنده نقل مستقیم عباراتی از منابع و اسناد فارسی را به زبان انگلیسی آورده، تلاش مترجم بر آن بوده است که عین آن عبارات را از مأخذ اصلی نقل کند. نمونه‌هایی از این نقل‌قول‌ها ارجاعات پرشمار به کتاب تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز اثر نادر میرزاست. همچنین، باید به گزارش عبدالرزاق بیگ دنبلی در نگارستان دارا، استشهدانامه میرزا محمدتقی، قاضی تبریز، راجع به موقوفات نصریه، نامه عباس میرزا در منشآت میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی، عریضه‌های میرزا عبدالحسین، متولی موقوفات ظهیریه و کوچک‌خان نامی راجع به مالکیت

روستای وایقان در سند ظهیریه ۹ و برخی نقل قول‌های مستقیم راجع به تأیید تیول‌های میرزا هاشم، فرزند میرزا محمدمهدی قاضی، در سند قاضی ۷ اشاره کرد. در بخش‌هایی که نویسنده خلاصه یک عبارت فارسی را آورده است و تلخیص آن امکان‌پذیر نبود، نسخه کامل آن عبارت نقل و توضیحات لازم در پانویس ذکر شده است. محدود توضیحات و نکات انتقادی مترجم و ناظر علمی نیز با درج کوتاه‌نوشت «(م)» در پانویس آمده است.

توضیحی درباره اسناد نیز ضرورت دارد. نویسنده گرامی در این پژوهش، از اسناد پرشماری استفاده کرده و گزیده‌ای از این اسناد را ذیل یک دسته‌بندی معین در بخش پیوست آورده است. این اسناد ابق معیارهای موردنظر ایشان، ذیل چند دسته منظم و شناسه ویژه‌ای چون «ظهیریه»، «مستثنی»، «گلستان»، «خواجه» و «آق‌کهل» تعیین شده است. چون اغلب این شناسه‌ها را عناوین و نام‌های فارسی تشکیل می‌داد، در ترجمه نیز همان معادل استفاده شد؛ فقط در یک نمونه که از معادل انلیسی «وریه»^۱ استفاده شده و طبق راهنمایی نویسنده گرامی، کوتاه‌نوشت عبارت «سند‌های مختلف مربوط به مسائل وقف [یا مبیعه]»^۲ است، عبارات «سند‌های وقفی مختلف» و «سند‌های مبادله مختلف» جایگزین لفظ مذکور شدند.^۳

در پایان لازم است از همه کسانی که در پیشبرد ترجمه با همراهی و مساعدت بی‌دریغ خویش، مترجم را یاری کرده‌اند، قدردانی شود. در زمینه نخست، باید از دکتر داریوش رحمانیان، دانشیار تاریخ دانشگاه تهران، یاد کنم که از آغاز تا پایان کار ترجمه، پیوسته با راهنمایی‌های مشفقانه خویش یاریگر مترجم بوده‌اند. دکتر جواد مرشدی، استادیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس، جدا از تلاش بی‌وقفه در زمینه ویرایش ترجمه، مسئولیت نظارت علمی را نیز بر عهده داشتند و با قلم توانا و شیوای خویش، به تدوین نهایی ترجمه حاضر بسیار کمک کردند. جناب آقای مهندس سعید جلالی، مدیر محترم انتشارات ستوده تبریز، علاوه بر تقبل زحمت چاپ و انتشار ترجمه حاضر، همواره با برخورد متین و شکیبایی خویش، همراه و پشتیبان مترجم بوده و با فراهم آوردن برخی منابع اصلی پژوهش، از جمله تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، *روضات الجنان و جنات الجنان* و همچنین، نسخه اصل

1. Varia

2. Various documents related to vaqf [or sale] issues

۳. ناگفته نماند که در متن کتاب، اسناد وریه (سند‌های مختلف) به دو گروه کلی «سند‌های وقفی مختلف» و «سند‌های مبیعه مختلف» دسته‌بندی شده‌اند. نویسنده برای عناوین یادشده، به ترتیب عبارات «Vaqf Varia» و «Sale Varia» را برگزیده است.

کتاب پروفیسور ورنر و چندین اثر دیگر برای مترجم و فراهم ساختن محیطی گرم، دوستانه و علمی در انتشارات ستوده، کمکی بس شایان به پیشبرد ترجمه حاضر کرده‌اند. علاوه بر اشخاص نامبرده، اعضای خانواده و دوستان به شیوه‌های گوناگون در پیشبرد و تهیه ترجمه حاضر سهیم بوده‌اند و مترجم به‌نوبه خود صمیمانه از ایشان سپاسگزار است. امید است که ترجمه حاضر گامی مؤثر و سودمند در آشنایی ایرانیان و فارسی‌زبانان با تاریخ و فرهنگ ایران‌زمین به‌طور عام و شهر تبریز به‌طور خاص باشد.

جمال پیره‌مرد شتریان

تبریز- آبان ۱۴۰۱

یادداشت ویراستار

گرچه رایج نیست که ویراستار علمی یادداشت مقدماتی بنویسد و مقدمه‌های نویسنده و مترجم گرامی به قدر کافی، دلسا و روشنی بخش‌اند، شایسته دانستم که در پاسخ به حسن اعتماد نویسنده گرانقدر، تا به مهرآمیز ناشر محترم، چند کلمه‌ای درباره اهمیت، وجوه امتیاز و انگیزه‌ام در همراهی با ترجمه این پژوهش ارزشمند بنویسم. پیشینه‌آشنایی من با این کتاب به چندین سال پیش بازمی‌گردد که نسخه‌ای از آن را در پیشخوان کتابخانه «مؤسسه فرانسوی مطالعات ایران»^۱ یافتیم. یک روز را به مطالعه لذت‌بخش، هرچند شتاب‌زده و ناقص آن، در همان کتابخانه گذراندم. از آن زمان، همواره به ذهن داشتم که اگر فرصتی دست دهد، دستاورد ارزشمند کریستف ورنر را به زبان فارسی برگردانم تا امکان بهره‌گیری مخاطبان بیشتری از آن فراهم گردد. اما متأسفانه این فرصت را نیافتیم تا اینکه چند سال پیش، در حاشیه برنامه‌ای در فرهنگستان زبان فارسی، زردی دیدار نویسنده گرامی کتاب دست داد. گفت‌وگوی کوتاه‌ام در آن دیدار انگیزه‌ای شد تا بار دیگر به ترجمه کتاب بیندیشم. این بار آشنایی‌ام با دوست گرامی، جمال پیره‌مرد شتربان و آگاهی‌ام از توانمندی علمی و پشتکار کم‌نظیر ایشان باعث شد که فکر ترجمه کتاب را با او در میان گذارم. هم‌زمان، توفیق دیگری نیز نصیب گردید و آن، آشنایی با مهندس سعید جلالی، مدیر فرهیخته انتشارات ستوده تبریز بود که با اشتیاق و مهربانی، ضمن استقبال گرم و صمیمانه از ترجمه کتاب، پیشنهاد کردند که خود نظارت بر ترجمه و ویراستاری علمی آن را بر عهده گیرم. این پیشنهاد و احساس دین به نویسنده، انگیزه‌ام را برای همکاری با مترجم گرامی تقویت کرد. شهری ایرانی در گذار پژوهشی درباره تاریخ تبریز است؛ مهم‌ترین کانون شهری شمال

غرب ایران با تاریخی دیرپا و فرهنگی کهن. نویسنده بر مقطعی ویژه از این تاریخ دیرین، یعنی سال‌های حکومت دودمان زند و نیمه نخست دوره قاجاریه تمرکز جسته است که شاهد تحول نهادها و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی محلی بر بستر متلاطم صدر قاجاریه و تبدیل تبریز به «دارالسلطنه» و ولیعهدنشین ایران این روزگار بود. البته، نویسنده ضمن تمرکز بر این کانون شهری پراهمیت، تحولات آن را از چشم‌انداز گسترده‌تری بررسی کرده و از این نظر، آن را باید روایتی از تاریخ ایران این روزگار دانست. با این حال، چنان‌که در «مقدمه»^۱ کتاب به تفصیل بیان شده، وجوه امتیاز پژوهش محدود به این نیست و از چند منظر آن را می‌توان الگویی مطلوب برای تحقیقات تاریخی ارزیابی کرد:

نخست آنکه نویسنده در مقایسه با پژوهش‌های متعارف، رویکرد متفاوتی اتخاذ نموده و تاریخ اجتماعی و اقتصادی تبریز را بر مدار حیات و کنش طیف متنوعی از نخبگان شهری روایت کرده‌است. این نخبگان شامل شاهزادگان قاجاری، حکام و امرای قبایلی، زمین‌داران محلی، کارگزاران دیوانی و علم و سادات اند که سهم معینی در جهت‌دهی حیات شهری تبریز این روزگار داشتند. ورنه به‌خوبی گرسید است الگوهای کنش این نخبگان و منطق مسلط بر آن را در تعامل دو سویه کانون‌های قدرت مرکزی و محلی ردیابی کند.

امتیاز دوم پژوهش تکیه آن بر اسناد اعم از منتشرشده و نمونه‌های خطی است که نویسنده با جستجو در مخازن مختلف و مجموعه‌ها، شخصی به آنها دست یافته است. وی با مهارت ستایش‌برانگیزی توانسته است وجوه کارآمدی این‌گونه به‌نسبت دشوار از منابع را برای نگارش تاریخ اجتماعی بنمایاند. از این نظر، دساورد وی را می‌توان الگویی روش‌شناختی برای آن دسته از دانشجویان و پژوهشگران انگاشت که آشنایی کمتری با ظرفیت ویژه اسناد آرشیوی برای پژوهش در حوزه تاریخ اجتماعی و اقتصادی دارند.

همین نکته را می‌توان در ربط با بهره‌گیری نویسنده از منابع تاریخ محلی و در رأس آنها تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز بیان کرد. توجه به مقوله «وقف» در پیوند با نظام زمین‌داری، رویه‌های مدیریت و سازوکارهای فرهنگی و اقتصادی محلی امتیاز دیگر این پژوهش است. در این زمینه نیز نویسنده توانسته است با عبور از نگرش‌های قالبی جاافتاده، جنبه‌های ظریف و پیچیده‌تری از آن را نمایان کند و پرتو تازه‌ای بر سهم وقف در حیات

اجتماعی و اقتصادی شهرها بیفکند. هم‌زمان، تمرکز بر نمونه‌های مطالعاتی معین راهبردی است که کارآمدی روش‌شناختی آن در این پژوهش جلوه یافته است. بدین‌ترتیب، شهری ایرانی در گذار، در عین ارائه یک روایت خواندنی از تاریخ شهری تبریز در فاصله یک سده‌ای که از درگذشت نادرشاه افشار تا جلوس ناصرالدین‌شاه قاجار به طول انجامید، الگویی برای پژوهش‌های تاریخی با رویکرد تاریخ اجتماعی پیشنهاد می‌کند.

در پایان لازم می‌دانم از دوستان و سرورانی که در روند انجام این کار به هر شکل یاریگر مترجم و ویراستار بوده‌اند، سپاسگزاری کنم. نخست، باید سپاسگزاری ویژه‌ام را از دکتر ورنر ابراز کنم که افزون بر اعتماد به اینجانب و مترجم گرامی، در مراحل مختلف، با مهربانی و شکیبایی پاسخ‌گویی پرسش‌ها و درخواست‌هایمان بودند. جای امیدواری است که این ترجمه پاسخ‌شایسته‌ای به این اعتماد باشد. همچنین، جا دارد از سرور گرامی، آقای سعید جلالی تشکر کنم که بسیار داناتر از یک ناشر، با مهربانی و شکیبایی مشوق انجام کار بودند و زمینه چاپ باکیفیت کتاب را فراهم آوردند. نیز، از استاد گرامی‌ام، داریوش رحمانیان سپاسگزارم که پیشنهادهای ارزنده‌ای درباره ترجمه کتاب ارائه فرمودند. افزون بر اینها لازم است سپاس ویژه داشته باشم از خانم‌ها، دکتر سعیده حیدری‌نژاد و نیره‌سادات افتخاری که با مهربانی و خوشرویی خواهش اینجانب را برانگیخته و طایفه نسخه‌نهایی ترجمه پذیرفتند و بسیار بیش از آنچه متوقع بودم، وقت ارزشمندشان را در اختیارم بیهود کار نمودند. واژگان من برای پاسخگویی به محبت این دو بزرگوار، سخت نارساست. امید است که ترجمه این پژوهش ممتاز در پیشگاه اهل فن مقبول افتد و به پیشبرد مطالعات تاریخی کمک کند.

جواد مرشدلو

آبان ۱۴۰۱

مقدمه نویسنده بر چاپ فارسی

جای بسی خوشحالی است که شاهد چاپ ترجمه فارسی کتابم درباره تاریخ تبریز در گذار از دوره زندیه به دوره قاجاریه‌ام. پیشنهادهای مکرری برای ترجمه این کتاب داشتم؛ اما تقدیر آن بود که در نهایت، دکتر جواد مرشدلو و جمال پیره‌مرد شتربان گام پیش گذارند و در جهت ارائه یک ترجمه بنسب و دقیق از آن همت کنند. نیز جا دارد به پایمردی و محبت سعید جلالی، مدیر محترم انتشارات ستوده، در تشویق و پیگیری ترجمه و انتشار این کتاب اشاره کنم. حقیقت آن است که سعید بدل از ابتدای کار، یعنی نزدیک به بیست و پنج سال پیش که به تبریز آمدم، پشتیبان من بود. در مرحله نخست پژوهش من در این شهر، کتاب‌فروشی و انتشارات وی مکانی آرام، راحت و امیدبخش بود. هم از مترجمان و هم از ناشرگرمی بسیار سپاسگزارم که زمینه دسترسی گسترده و دسترسی از مخاطبان را، چه در ایران و چه فراتر از آن، به این کتاب فراهم آوردند و عجب رساندند خجسته‌ای که کتابی درباره تبریز در همین شهر به چاپ رسد.

این پژوهش تازه نیست. اصل انگلیسی آن بیش از دو دهه پیش منتشر شد و واکاوی اسناد آرشیوی، که ستون فقرات کتاب بر آن استوار است، در دهه ۱۹۹۰م/۱۳۷۰ ش. یعنی اواخر سده پیش، به انجام رسید. از آن زمان، شماری پژوهش جدید به دایره مآخذ موجود درباره جامعه شهری دوره قاجاریه افزوده و منابع جدیدی رونمایی شده است. هایدی والچر یک پژوهش تازه درباره اصفهان به دست داده؛^۱ جیمز گستافسون کتاب مهمی درباره کرمان نوشته؛^۲ و نوبوآکی کندو در مطالعه اخیرش درباره تهران عصر قاجاریه بار دیگر نشان داد که چه ظرفیتی در منابع دست اول نظیر اسناد محاکم و وقف‌نامه‌ها برای کار نهفته

1. Heidi W. *In the Shadow of the King: Zill al-Sultan and Isfahan under the Qajars*. London 2008.

2. James M. Gustafson. *Kirman and the Qajar Empire: Local dimensions of modernity in Iran, 1794-1914*. London 2016.

است.^۱ محمدعلی کاظم‌بیگی نیز با رویکردی مشابه پژوهشی درباره مازندران به انجام رسانده است.^۲ تمرکز پژوهش‌های جدید درباره تبریز، عمدتاً بر تحولات سال‌های پایانی دوره مشروطه بوده، با این حال، وقف‌نامه ظهیریه را هادی هاشمیان^۳ و تذکره الدنابله را ابوالفضل مرادی^۴ تصحیح و چاپ کرده‌اند. نائوفومی آبه پژوهش درباره خاندان دنبلی و جنبه‌های مختلف زمین‌داری در تبریز را پی گرفته^۵ و مطالعه اسناد شرعی نیز، چه با رویکرد تحلیلی و چه از نظر توصیف‌صوری آن‌ها، پیشرفت چشمگیری داشته است. در این زمینه، به‌طور خاص، باید از کتاب‌ها و مقالات پرشمار امید رضایی یاد کرد. ترجمه حاضر برگردانی از متن اصلی است و نه یک ویرایش روزآمد و بازنگری‌شده. نه مجال آن بود که حاصل پژوهش‌های مزبور را در آن گنجانند و نه هیچ سند و مدرک تازه‌ای به آن افزود.

با همه این‌ها، هنوز وقتی این کتاب را می‌خوانم، می‌بینم که اعتبار نتایج اصلی و رویکرد عمومی آن همچنان برقرار است. این پژوهش نشان می‌دهد که می‌توان بر پایه اسناد آرشیوی فارسی، روایتی تاریخی از تغییرات اجتماعی شهری نوشت. دوره انتقالی زندیه تا قاجاریه مقطع بسیار مهمی در زمینه ظهور نخبگان جدید است. پیوند وثیق میان تصدی زمین، نهاد وقف و علمای مستقل در یک بستر شهری، الگویی ترسیم می‌کند که اهمیت آن تا پایان دوره قاجاریه برقرار می‌ماند. شادمانی ویژه من بیشتر آن‌جاست که می‌بینم این کتاب دیگر محققان را برانگیخته است تا بر منابع اصلی و دست اول دوره قاجاریه تمرکز جویند و به درک روشن‌تری از تحولات اجتماعی در آستانه نوسازی دست یابند.

انتشار نسخه اصلی کتاب نقدهایی را برانگیخت؛ برخی از این نقدها ناظر بر این ادعا بود که در این کتاب، توجه چندانی به صنف مهم «تجار» درون ساختار شهری نشده است. برخی دیگر هوادار تاریخ جامع‌تری از این شهر بودند که دوره ناصری را نیز دربر بگیرد و تا

1. Nobuaki Kondo, *Islamic Law and Society in Iran: A Social History of Qajar Tehran*. New York 2017. نوبوآکی کندو. قانون شرع و جامعه ایران، ترجمه علی محمد آزاد، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۴۰۱.
2. Mohammad Ali Kazembeyki, *Society, Politics and Economics in Mazandaran 1848-1914*. London 2003.
۳. هادی هاشمیان، *امامزاده سید حمزه تبریز و موقوفات ظهیریه*. تبریز: اداره کل اوقاف و امور خیریه آذربایجان شرقی، ۱۳۹۲.
۴. محمد بن عبد‌الکریم اشتهاردی، *تذکره الدنابله*، به تصحیح ابوالفضل مرادی. میراث بهارستان، دفتر چهارم، تهران: مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۷۱۷-۷۶۷.
5. Abe, Naofumi, "Preserving a Qājār Estate: Analysis of Fath-'Alī Khān Donbol's 'Property Retention Tactics", *Studia Iranica* 43 (2014), p. 129-150; Idem, "The Ambivalent Position of the Landlord: A Dispute over Ownership of an Iranian Village in the 19th Century", *Islamic Law and Society* 23 (2016), p. 52-88.

انقلاب مشروطه ادامه یابد. گروهی نیز پیشنهاد کرده بودند که استفاده منسجم‌تری از آرشیوهای اروپایی، به‌ویژه اسناد روسی، صورت پذیرد. همه این نقدها بجاست، اما نوبت دیگران است که این راه را ادامه دهند.

من هنوز با اغلب دوستان و همکارانی که نامشان در «سپاسگزاری» آمده است، تماس دارم؛ برخی اکنون کرسی‌های مطرحی در دانشگاه دارند، برخی بازنشسته شده و برخی نیز از میان ما رفته‌اند، از جمله جمال ترابی طباطبایی و پرفسور برت فراگنر^۱ که اگر زنده بودند، از دیدن چاپ نسخه فارسی خوشحال می‌شدند. امیدوارم که این کتاب همچنان الهام‌بخش و بستر ساز تحقیقات تازه باشد و آرزومندم که مخاطبان بیشتری آن را بخوانند.

بامبرگ

سپتامبر ۲۰۲۲

www.ketab.ir

مقدمه

شهرها در ایران اغلب به جزایر ثباتی در میانه دریایی از حوادث از جمله تجاوز خارجی یا ظهور و زوال سلسله‌ها شباهت داشته‌اند. این شهرها در کنار محافظت از هسته میراث فرهنگی، از رهگذر نخبگان دینی، دیوانی و تجارت‌پیشه، دانش و مهارت‌های معینی را به نسل‌های بعد انتقال دادند. اما به‌رغم این کارکرد حفاظتی، سرنوشت شهرها هرگز از روند عمومی زمانه برکنار نبود. اغلب آن‌ها پیوسته و به شکل چشم‌گیری عرصه تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بودند که از پی رخدادهای مهم تاریخی ظهور می‌کرد.

پژوهش حاضر بر تاریخ اجتماعی اقتصادی شهر تبریز در شمال غرب ایران و کرسی ایالت تاریخی آذربایجان تمرکز دارد. در این نوشتار به‌طور ویژه، از زاویه نخبگان و با محوریت چهره‌های شاخص، تحولات شهر تبریز را در گذر نزدیک به یک سده از میانه سده دوازدهم/هجدهم تا نیمه سده سیزدهم/نوزدهم و آن‌وی می‌شود. دغدغه نخست من بر این پرسش استوار است که ساختار داخلی و اجتماعی یک شهر ایرانی نظیر تبریز در مرحله واپسین از دوره پیشامدرن چگونه بود. به دیگر سخن، چه کسانی در تصمیم‌گیری‌های روزمره آن سهم داشتند؟ این افراد چگونه با هم تعامل می‌کردند؟ نفوذ و قدرت آن‌ها از چه منبعی مایه می‌گرفت و کدام همبودها و شبکه‌ها را شکل داده بودند؟ در روند پژوهش و نگارش متن، هم‌گستره و هم‌محتوای طرح اولیه پژوهش بازنگری شده و توسعه یافته است. خصوصاً به این نکته رسیدم که تشخیص اولیه‌ام درباره پایان دوره پیشامدرن تاریخ ایران و تطبیق آن با سده دوازدهم/هجدهم چندان قانع‌کننده نبود و بیش از آنکه تحولات بنیادی این مقطع را توضیح دهد، آن‌ها را پنهان می‌سازد. نتیجه آنکه من دوره‌بندی تازه‌ای را برگزیدم و چهارچوب زمانی پژوهش را به دوره محمدشاه قاجار توسعه دادم. آنچه در آغاز کار به‌عنوان یک تحلیل ساختاری از شهر ایرانی پیشامدرن و نخبگان هدایتگر آن در نظر گرفته بودم، گام به‌گام در جهت تمرکز بر تغییرات اجتماعی‌ای سوق یافت که از روزگار زندیه تا اوایل عهد

قاجاریه در تبریز جریان داشت.

تبریز یکی از مهم‌ترین شهرهای ایران با سنتی تاریخی، دیرین و منحصر به فرد است. این شهر در مکانی که امروز قرار دارد، در دوره خلافت عباسی بنیان نهاده شد و خیلی زود شکل و شمایل یک کانون شهری بزرگ را به خود گرفت که جاده ابریشم را به دیگر مسیرهای بزرگ تجاری که از مازندران به روسیه و حوزه دریای بالتیک می‌رسید و نیز بنادر دریای سیاه و دریای مدیترانه پیوند می‌داد. اینکه فرمانروایان مغول در ایران با گرایش‌های اوراسیایی، در سده‌های هفتم/سیزدهم و هشتم/چهاردهم تبریز را به پایتختی خود برگزیدند، اهمیت ویژه و تأمل برانگیزی دارد. پیشینه شهرت تبریز به «دارالسلطنه» و تعیین واحدها و مقیاس‌های وزنی و ابری در سراسر کشور بر مبنای معیارهای «تبریزی»، به روزگار مغولان و ایلخانان می‌رسد. تا اوایل سده دهم/شانزدهم میلادی، این شهر تا حدی توانسته بود جایگاه خود را به عنوان پایتخت ایران حفظ کند. حتی پس از آنکه صفویان نیز کانون سیاسی خود را نخست به قزوین و سپس به اصفهان انتقال دادند، تبریز همچنان به عنوان شهر دوم ایران باقی ماند.

انتخاب شهر تبریز به عنوان موضوع اصلی این پژوهش نیز به این جایگاه مهم نظر داشته است. با اینکه تبریز پیش از آغاز دوره مورد بحث، دیگر پایتخت ایران نبود، در مقایسه با شیراز و تهران، شهر ایالتی مهم و قابل توجهی به شمار می‌آمد. ساختارهای شهری تبریز از نهادها و تحولات احتمالی دوره زمامداری افشاریه، زندیه و قاجاریه در پایتخت تأثیر پذیرفت و کماکان نمونه‌ای عالی برای پژوهش درباره تحولات اجتماعی شهر بر محور نخبگان باقی ماند. گذشته از این، من اولویت‌ها و ترجیح‌های شخصی خود را انکار نمی‌کنم. با اینکه تبریز هنوز هم در ذهن بخشی از ایرانیان فارسی‌زبان سیمای دلپذیری ندارد، من شهر تبریز و مردم آن را بسیار مهربان، دلسوز و همدل یافته‌ام.^۱ در این زمینه لازم است بر این نکته پای بشارم که از نظر من تبریز در مرتبه نخست یک شهر ایرانی است، با اینکه اکثریت قریب به اتفاق مردم آن، همچون امروز، ترک‌تبار^۲ بوده و به زبان ترکی آذربایجانی سخن می‌گفته‌اند که زبان مادری آن‌هاست. در پیوند با دوره مورد بحث، من نتوانستم هیچ

۱. این دیدگاه نویسنده گرامی طبعاً بازخورد تجربه شخصی وی است و نزد اکثریت مطلق ایرانیان، اعم از فارسی‌زبان و

غیره، تبریز شهری زیبا با مردمی مهربان و با محبت است. (م.)

۲. البته این دیدگاه مخالفانی نیز دارد و محققانی چون کارنگ و مرتضوی، تبار و زبان اهالی آذربایجان را ایرانی دانسته‌اند. (م.)

سرنخ قابل‌اعتنایی در متون اصلی بیابم که هویت مستقلی برای این شهر بر محور قومیت یا زبان معینی قائل شده باشد. بنابراین، هرگونه بحث متأخری درباره مشاجرات ناسیونالیستی که در سده چهاردهم/بیستم غالب شد، آگاهانه کنار نهاده شده است.

در هر صورت، پژوهش حاضر سر آن ندارد که صرفاً یک متن ساده درباره «تاریخ شهر تبریز» ارائه کند؛ از این رو، گستره مطالعاتی آن به دو حوزه اصلی بسط یافته است: نخست، آن را باید مساهمتی در زمینه تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران صدر قاجار انگاشت؛ حوزه‌ای بسیار وسیع که تا کنون چندان مورد توجه نبوده است. مقوله‌هایی چون موقوفات، مدیریت شهری، نظام قضایی و جایگاه و کارکرد علما از جنبه‌های اصلی این پژوهش به شمار می‌آید. ضمن اینکه، ماهه دقیق‌تری نیز درباره مسئله مالکیت زمین انجام شده است. دوم، با در نظر داشتن کمبود پژوهش‌های جامع درباره دیگر شهرهای ایرانی این روزگار و نیز انگشت‌شمار تک‌نگاشت‌های مفصل درباره چند شهر ایرانی در سراسر تاریخ این سرزمین، این کار را می‌توان افزوده‌ای ارزشمند به مطالعات شهری خاورمیانه قلمداد کرد.

از حیث روش‌شناسی، من یک یککرد منبع محور را برای این پژوهش برگزیده‌ام که بر محتوای اسناد آرشیوی محلی فارسی به‌نوبه پایه اصلی تحقیق استوار است. در سراسر کار هم ظرفیت ذاتی و هم تنگناهای این منابع را در مقابله و رویارویی مستقیم با منابع غربی و مطالعه انتقادی آن‌ها گشوده‌ام؛ منابعی که هنوز هم بیشترین کاربرد را برای تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران دوره قاجار دارند. بنابراین، افسانه رایجی را که از نبود منابع اصلی به زبان فارسی یا ناچیز بودن دستمایه آن‌ها برای پاسخ به پرسش‌های جدی سخن می‌گوید، باید به کنار نهاد. به این درک نیز رسیده‌ام که برداشت‌های کلان‌دامنه‌تر درباره دوره قاجاریه، به‌ویژه اگر چهارچوب‌های نظری پیچیده‌ای را به خدمت بگیرند، نیاز حاد به سطح معتبری از شواهد واقعیت‌بنیادا دارد. نتیجه آنکه من رویکرد خردنگر^۲ ناظر بر افقی محدود از «زمان» و «مکان» را به پرداختن به مقوله‌های فراگیر یا تطبیقی ترجیح داده‌ام. با این تدبیر، تأملات اجمالی زیر درباره دوره‌بندی و پرسش‌های ناظر بر نوسازی را نیز می‌باید در پرتو زمینه پژوهش حاضر دید و نه همچون تقلاهایی برای برساختن متغیرهای کلان‌دامنه‌تر در پیوند با نظریه‌ای درباره تاریخ نوین ایران.

1. Factual

2. Microhistorical

در کل، همواره دغدغه تمایزگذاری میان بخش‌های مختلف پژوهش را داشته‌ام، زیرا این دوره همواره با تعمیم‌ها و تعاریف کلی و شتابزده شناخته می‌شود. به بیان لمبتون: «گویا تاریخ ایران ظرفیت ویژه‌ای برای استنباط‌های تعمیمی دارد که به ناگزیر غلط هم هستند»^۱. برای نمونه، تمایز ذهنیت‌محور و جاافتاده‌ای که علما را به دو دسته مجتهدان شریف و ملاهای گماشته دولت تقسیم می‌کند، می‌تواند به حذف ساده و بی‌درنگ دیوان‌سالاری صدر قاجار به مثابه یک دستگاه کم‌اهمیت و بی‌خاصیت در دستان مشتی «میرزا»ی گمنام بینجامد. دغدغه دیگر من به پرسش گرفتن کلان‌الگوی جاافتاده «نوسازی» است که برای تبیین هر شکل از تغییر در دوره متقدم قاجاری کاربرد دارد. متأسفانه، این نگرش مانع از درک تحولات بومی می‌گردد که بیرون از چنبره اصلاحات غربی‌مآب روی داده است. دستاورد این پژوهش را می‌توان همچون چهل‌تکه‌ای از مطالعات موردی گوناگون انگاشت که چشم‌اندازی رنگارنگ از لایقات فرادست جامعه شهری تبریز فرا می‌نهد. نتایج این بررسی در کلیتشان، طیف گسترده‌ای از وندهایی را بازنمایی می‌کنند که به توسعه شهر تبریز منجر شدند و می‌توان از ثمره آن‌ها همچون رجعی برای مطالعه و شناخت تحولات جامعه ایرانی در جای‌جای این سرزمین بهره گرفت.